

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوستی بہ رہبر

و دوستاری امام (علیہ السلام)

دوره ہفتم، شماره نوزدهم

نام جزوه: دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

۴ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

فهرست مطالب

- دوستاری امام (علیه السلام)..... ۵
- تاریخواره ی دوستی و مهر در قرآن..... ۸
- تأثیر محبت در ارزشمندی کردار از دیدگاه پیشوایان دین... ۱۷
- ایمان و محبت..... ۲۰
- محبت و عمل..... ۲۳
- محبت، مسؤولیتی همگانی..... ۲۷

«قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ؛

بگو اجر و پاداشی - دوست داشتن اهل بیت
(علیهم السلام) - که از شما خواستم، به سود شما
است».

قرآن عزیز. سوره ی سبا آیه ی ۴۷.

دوستاری امام (علیه السلام)

از این پیش خواندیم^۱ که شناخت پیشوایان دینی
نخستین گام به سوی سرزمین شایستگی است و
یادآور شدیم که اسلام، شناخت رهبر و امام را

۱. مقاله (شناخت پیشوایان دین)

۶ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

مسئولیتی همگانی می‌داند و بدان توجه و نگرشی ویژه دارد.

مهرورزی به رهبران نیز، گرچه خود میوه‌ی درخت شناخت است، اما به تنهایی و به‌طور استقلال هم، مورد نظر اسلام هست و اسلام آن را گام دیگری به سوی سرزمین فرازند شایستگی می‌داند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) مقام شکوهمند حضرت علی (علیه السلام) را یادآور می‌شدند و آن گاه محبت و دوستداری او را سفارش می‌فرمودند.

«سوگند به آن‌که جانم بر کف او است؛ این مرد و شیعیان وی، در رستخیز رستگارانند»؛^۱ و در غدیر

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۷

پس از آن که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را به
جانشینی برگزیدند چنین فرمودند:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» خداوندا

دوستدار او را دوست مدار و دشمن خواه او را

دشمن!

هم از این روی بود که گروهی، دوست داران
راستین علی (علیه السلام) شدند و از مکتب تشیع که
حقیقت اسلام و آمیخته با محبت و شیفتگی و
جانبازی در راه امام است پیروی کردند.

اینک بر پیشانی این نوشتار، بیان قرآن و
پیشوایان دین را درباره‌ی محبت و دوستداری یادآور
می‌شویم تا به ژرفا و حقیقت آن راه یابیم و پس از آن

۸ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

به انگیزه‌ی دعوت به محبت و نقش حسّاس آن می‌پردازیم تا آشکار شود که منظور از این چنین دعوت و انگیزشی، راهی عاطفی و نیرو آفرین است برای پرواز به افق‌های شایستگی و بایستگی.

تاریخواره‌ی دوستی و مهر در قرآن

ابراهیم (علیه السلام) - موحد بزرگ تاریخ - پس از آن‌که فرزند خود اسماعیل را با مادرش در سرزمین مکه، کنار خانه‌ی خدا، جای داد، از خداوند چنین خواست:

«فَجْعَلْ أُمَّتَهُ مِنَ النَّاسِ تَهْوَى إِلَيْهِمْ...»^۱ خدایا

چنین کن که دل مردمان به ایشان مهر ورزد.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۹

او می‌داند که سلاله او هنگامی می‌توانند پیشوایی مردم کنند که محبوب آنان باشند چراکه از رهگذر خواستاری و دوستاری و گرایش دل‌هاست که رسالت‌ها پیاده شده و ملت‌ها هدایت می‌یابند. ابراهیم بزرگ، محبت مردم را نسبت به دودمانش نه به عنوان خواسته‌ی شخصی، بلکه چون سودی همگانی، از خدا می‌خواهد؛ و نیز نه به‌عنوان سود ویژه‌ی خاندان خود، بلکه برای دستیابی به هدفی والاتر، آن را عنوان می‌کند؛ و هم اینجا بگوییم که سرآمد دودمان ابراهیم (علیه‌السلام) - که او برایشان چنان به مهر دعا کرد- پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله علیه وآله) و دودمان پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) می‌باشند که از نسل اسماعیل‌اند.

۱۰ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

پیامبر عزیز ما نیز به هنگام ولادت حضرت امام حسین (علیه السلام) به خانه‌ی دختر بزرگوار خود حضرت فاطمه (علیها السلام) آمد و از خداوند چنین خواست:

«پروردگارا من در مورد این نوزاد و برادرش حسن، از تو آنچه را می‌خواهم که ابراهیم در مورد فرزندانش می‌خواست، از تو می‌خواهم... ایشان و دوستداران ایشان را دوست بداری و بر دشمنانشان لعنتی فرود آوری که آسمان و زمین از آن پر شود».

قرآن کریم، پاداش رسالت پیامبر (صلی الله علیه وآله) را محبت به نزدیکان ارحمندی، قرار می‌دهد:

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۱

«...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي

الْقُرْبَى...» ای پیامبر بگو که پاداشی بر رسالت
نمی‌خواهم جز دوست داشتن نزدیکانم!^۱

چون مودت و دوستی با آرزوی بقای محبوب
همراه است، گرایش به او شدیدتر و میل به پیروی و
شکل گرفتن از رهبری که محبوب است در وجود
دوستدار زنده‌تر خواهد بود.

هدف از دوستی

هدف از دعوت به دوستی رهبران دینی در
اسلام چیست؟ و آیا این محبت دارای چه اثر و نتیجه
است؟

آیه‌ی بی که در طلیعه‌ی این دفتر آورده‌ایم:

۱. سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۲۳.

۱۲ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

«قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»^۱ می‌رساند که

فایده دوست داشتن نزدیکان پیامبر (صلی الله علیه و آله) عاید دوست داران آن گرامی و مجتمع اسلامی می‌شود و آن بزرگوار، این پاداش را به سود و بهره‌ی پیروان خود منظور فرموده و به حساب آنان واریز کرده‌اند و پاداش خود را تنها از خداوند خواهند گرفت:

«إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

شَهِيدٌ»^۲ پاداش من جز بر خدا نیست و او بر همه چیز گواه است.

۱. سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۴۷.

۲. سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۴۷.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۳

یعنی این ماییم که باید از ره گذر محبت آنها
بهره مند شویم.

اما اینک باید به بررسی این نکته پردازیم که
آیا سودی که از محبت ایشان عاید می شود، تنها
سودی اخروی است یا دستمایه‌ی عواید دنیایی ما نیز
تواند بود؟

بی شک این سود، منحصر به پاداش های جهان
دیگر نیست، بل در این جهان نیز بسیار سودمند
است، دوستاری رهبران دینی، سازنده است، عامل
تریت و پیوند و ارتباط است، محبت به پاکان
انسان ساز است، چراکه آدمی را به آنها نزدیک
می کند و به سوی ایشان می کشاند تا از وجود سخن،

۱۴ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

تعلیمات، آثار، سیرت و کردارشان بهره‌گیریم و پیروی کنیم.

گرچه محبت چون ایمان دارای مراتب و درجاتی است - و کم‌ترین مرتبه‌ی آن نیز بی‌نتیجه نمی‌باشد و سرانجام هم پس از حساب و کتاب و کیفی‌های اخروی موجب دوستدار اهل‌بیت است - اما باید به هر صورت توجه داشت که محبت وسیله‌ی برای کشش و جذب و عاملی است برای تهذیب اخلاق و تنظیم اعمال از روی الگو و نماد محبوب است، پس نباید چنین پنداشت که محبت جوازی برای تمام آلودگی‌ها و انحراف‌ها، است و نباید با تکیه بر این پندار باکی از زشتی‌ها نداشته باشیم خود را، اهل نجات بدانیم و پاداش‌هایی را که برای محبت

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۵

تعیین شده به رخ این و آن بکشیم بی اینکه بیندیشیم
دوستی چیست، دوستدار کیست و هدف از محبت
کدام است.

آری، محبت نجات‌دهنده است و دوستداران
اهل بیت (علیهم‌السلام) در بهشت جاودان جای
خواهند داشت و بدون محبت ایشان کردار آدمی نزد
خداوند مورد قبول واقع نیست، اما نخست باید دید
مقصود از محبت چیست، آن گاه به پاداش آن چشم
دوخت.

قرآن که دوستی ذوی القربی را مزد رسالت
می‌داند در آیات دیگر یادآوری می‌فرماید که:

مقصود اصلی از آن، پیروی از حق و پیمودن
راه خدا است یعنی محبت وسیله‌ای برای این هدف

۱۶ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

است «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ
يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا».^۱

بگو ای پیامبر که از شما بر رسالت خویش
مزدی نمی‌جویم جز این که هر کس بخواهد به سوی
خدا راهی بجوید. یعنی جز هدایت یافتن شما
منظوری ندارم، آن هم با اختیار خودتان و بی هیچ
اکراهی.

پس، از دیدگاه قرآن، محبت عاملی است که به
راه خدا رهنمون می‌شود، وسیله‌ی است که جهانیان
اندرز گیرند و این است همان که رسول گرامی اسلام
(صلی الله علیه وآله)، می‌خواهد و ابراهیم بزرگوار

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۷

(علیه السلام)، می خواسته است، حال نام آن را پاداش می گذارید یا هرچیز دیگر، مختارید.

و به عبارت دیگر همان طور که ایمان به خدا مردم را از عمل به احکام بی نیاز نمی سازد محبت به اهل بیت (علیهم السلام) نیز نمی تواند وسیله ای برای بی اعتنایی به احکام باشد پس دوستدار اهل بیت (علیهم السلام) باید به احکام اسلامی ملتزم بوده و از گناه بترسد، آنگاه است که این دوستی به سود او تمام می شود و او را به پیروی وامی دارد و اگر هم از روی غفلت به گناهی آلوده شد می تواند چشم امید به شفاعت و نجات داشته باشد.

تأثیر محبت در ارزشمندی کردار از دیدگاه پیشوایان دین اینک به گفتارهایی از پیشوایان درباره ی دوستداری

۱۸ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

می‌نگریم:

حضرت علی (علیه‌السلام) از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل می‌فرماید که می‌فرمود:
«شفاعت من نصیب امت من می‌شود، کسانی که خاندان مرا دوست می‌دارند و اینان شیعیان من هستند»^۱.

یعنی شفاعت، مشروط به دوستی است، زیرا با دوستی، کشش و علاقه به رهبران حاصل می‌شود و انسان در مسیر تکامل قرار می‌گیرد و آن‌گاه ممکن است برای کمبودها و غفلت‌ها مورد شفاعت واقع شود.

۱. سیرتنا و سنتنا، ص ۱۰.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۱۹

امام باقر (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل می کند که فرمود: «اگر مردی شبها (به عبادت) بایستد، روزها روزه بگیرد و تمام مال خود را در راه خدا بدهد و پیوسته حج بگزارد اما به ولایت ولی خدا، شناختی نداشته باشد تا از او پیروی کند و کردارش باراهنمایی او همراه باشد، نزد خداوند استحقاق ثوابی ندارد و در ردهی ایمان داران راستین قرار نمی گیرد»^۱.

امام صادق (علیه السلام) در خطاب به حسین:

۱. «أَمَّا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَایةَ وَ لِیَّ اللّٰهِ فِیْوَالیِّهِ وَ یَكُونُ جَمِیعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ اِلَیَّهِ مَا كَانَ عَلَی اللّٰهِ حَقٌّ فِی ثَوَابِهِ وَ لَآ كَانَ مِنْ أَهْلِ

الایمان؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷، پاورقی و ص ۹۱.

۲۰ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

«ای حصین، دوستداری ما را کوچک مپندار که دوستی (با ما) از باقیات صالحات است»^۱.

دریغا، آنان که از پیروی و محبت خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) دوری می‌جویند چه بی‌راهه می‌روند، به ویژه که در نهایت جهل و جسارت، دوستداری این پاک مردان را به شرک مانند می‌کنند و نمی‌خواهند دریابند که حقیقت این موضوع چیست.

ایمان و محبت

برخی از روایات تصریح دارد بر این که بین ایمان و محبت ارتباط مستقیم و هم‌راهی موجود است.

- سلمان از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نقل

می‌کند که فرمود:

۱. اعیان الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۲۱

«هیچ مردی ایمان نمی آورد مگر آن که خاندان

مرا از روی دوستی من، دوست بدارد.

عمر پرسید: ای پیامبر، نشانه ی دوستداری

خاندان شما چیست؟

فرمودند: دوستی این مرد - دست خود را بر

حضرت علی (علیه السلام) نهادند»^۱.

پیامبر (صلی الله علیه وآله) خطاب به علی

(علیه السلام) فرموده است: «لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ

لَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ»^۲.

تو را جز فرد با ایمان دوست و جز منافق،

دشمن نمی دارد.

۱. سیرتنا و سنتنا، ص ۱۳.

۲. سیرتنا و سنتنا، ص ۱۲.

۲۲ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«اگر بدین شمشیر بر بینی فرد با ایمان فرود آورم که مرا دشمن بدارد، نخواهد داشت و اگر تمام جهان را در کف منافق بگذارم که مرا دوست بدارد، چنین نمی‌کند»^۱.

این ارتباط بین ایمان و محبت به امام، از این جهت می‌باشد که دوستی آنان، دوستی حق و حقیقت است و دوستدارانشان بدانان از آن جهت محبت می‌ورزند که آنان را محور حق و رهبران راه حق می‌دانند و این است رمز و نکته‌ی این‌که

۱. لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَيَّ أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي وَ لَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَيَّ الْمُنَافِقِ عَلَيَّ أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي؛ نهج البلاغه عبده، ج ۳، ص ۱۴۹.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۲۳

نخست باید رهبران را شناخت و آن گاه با بینایی به آنها مهر ورزید تا از ره گذر دوستیشان، پیوند با حق، حاصل آید.

محبت و عمل

نکته ای مهم که بیشتر، از آن غفلت می کنند، بستگی کامل بین محبت اهل بیت (علیهم السلام) و عمل به دستورهای دین است، همان طور که اشاره کردیم، محبت با ایمان ارتباطی مستقیم و پیوندی استوار دارد پس همان گونه که ایمان ما را از عمل بی نیاز نمی سازد، محبت نیز انسان را از قید عمل رها نمی کند و هیچ گاه دوستدار و پیرو اهل بیت (علیهم السلام) نمی تواند نسبت به گناه بی باک و لاابالی گردد و بدان اهمیت ندهد.

۲۴ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

پیشوایان دین ما - که درود همیشه‌ی خداوند بر همه‌ی آنان باد - در برخی از روایات بدین نکته‌ی مهم اشاره می‌فرمایند و پیوند میان محبت و عمل را یادآور می‌شوند تا همگان بدانند که دوستی، نیروی پر کششی است به‌سوی شایستگی.

جابر می‌گوید: امام باقر (علیه السلام) می‌فرمود: «آن‌که ادعای تشیع می‌کند آیا همین‌که قائل به محبت ما اهل بیت است باید اکتفا کند؟ به خدا سوگند، جز کسانی که از خدا بترسند و اطاعت او را به جای آورند، پیرو ما نیستند و اینان جز با فروتنی در برابر خداوند، امانت و درستکاری، بسیار به یاد خدا بودن، روزه، نماز، نیکی به پدر و مادر، واریزی حال نیازمندان از همسایگان و قرض داران و ایتم،

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۲۵

راستگویی، خواندن قرآن و... باز شناخته نمی شوند».

جابر می گوید عرض کردم:

ای پسر رسول خدا، ما کسی را بدین صفات

نمی شناسیم.

فرمود: «ای جابر به راه باطل نلغزی، آیا کافی

است که مردی بگوید من علی (علیه السلام) را دوست

دارم و پیرو او هستم و فعال نباشد؟ پس اگر بگوید

رسول خدا را که از علی (علیه السلام) بهتر است

دوست می دارم و از روش او پیروی نکند و به سنت

او عمل ننماید، دوستی آن گرامی برایش هیچ سودی

نخواهد داشت^۱، پس از خدا بترسید و برای رسیدن

۱. منظور این است که دوستی و محبت برای کسی که به احکام دین ملزم نیست و نسبت به گناهان بی باک است

۲۶ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

به آنچه نزد او است کار کنید بین خدا و هیچ کس رابطه‌ی قوم و خویشی وجود ندارد. محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند بزرگ و گرامی‌ترین کسی است که پرهیزگار باشد و هیچ کس بر خدا حجتی ندارد، هر که مطیع خداست، او ولیّ و دوست ما است و هر که نافرمانی خدا کند - در حقیقت با کردار و رفتاری

سودی ندارد و او را از کیفر اعمال رها نمی‌سازد، اگرچه دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام) همچون ایمان اساس و پایه‌ی دین است و مؤمن و دوست آل محمد (صلی الله علیه و آله) پس از پاک شدن و چشیدن جزای اعمال خویش، به بهشت خواهد رفت و به این ملاحظه دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام) سود زیادی خواهد داشت.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۲۷

که دارد - دشمن ما است. به ولایت ما جز با کار و
ورع دست رسی نیست»^۱.

محبت، مسؤولیتی همگانی

دوستی خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) وظیفه‌ی
است که همگان در برابر آن مسؤولند و بازخواست
خواهند شد.

ابوذر که از یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله)
است می‌گوید آن گرامی می‌فرمود: «در روز قیامت از
چند چیز خواهند پرسید که یکی دوستی خاندان ما
است»^۲.

۱. کافی، ج ۲، ص ۷۴ و بحار، ج ۷۰، ص ۹۷ و نیز در جلد ۶۹
روایات بسیاری آمده که ایمان بدون عمل پذیرفته نمی‌شود.
۲. سیرتنا و سنتنا، ص ۱۱.

۲۸ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

پاره‌یی از روایات، پدران را در مورد تربیت فرزندان بر اساس آشنا کردن آنها با دوستی خاندان پیامبر (صلی‌الله علیه وآله) مسؤول دانسته است. علی (علیه السلام) می‌فرماید: «فرزندان خود را بر سه اصل تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی خاندان پیامبر و خواندن قرآن»^۱.

نقش محبت در تربیت

با توجه به آیه‌ها و روایت‌ها که آوردیم و در آنها مردم را به محبت فراخوانده شده‌اند، بدین نتیجه می‌رسیم که مهم‌ترین هدف از این دعوت این است که این محبت باید در همه‌ی مظاهر زندگی، در اخلاق، اعمال، گفتار روابط اجتماعی و... مؤثر باشد.

۱. سیرتنا و سنتنا، ص ۱۱.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۲۹

باید چهره‌ی جامعه‌ی دوستان اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان جوامع دیگری بشری، امتیاز و ویژگی و درخششی داشته باشد انسان که دستمایه‌ی افتخار و موجب سرافرازی و سربلندی گردد.

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند:
«دوستدار محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کسی است که از خدا اطاعت کند، گرچه از جهت خویشاوندی از آن گرامی دور باشد و دشمن وی کسی است که معصیت خدا را انجام دهد، گرچه خویشاوند نزدیک او باشد»^۱.

در قرآن آمده است: «بگو ای پیامبر اگر خدا را دوست دارید مرا پیروی کنید تا خدا شمارا دوست

۳۰ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

داشته باشد و گناهانتان را بیامرزد و خداوند
آمرزنده‌ی مهربان است»^۱ در اینجا این نتیجه را
می‌توان گرفت که دوستدار پیامبر، پیرو خدا و
دوستدار خداوند پیرو پیامبر است و همین نقش
محبت در زندگی و اعمال ما است که پیروی از خدا
و پیامبر و امام (علیه‌السلام) و دین از مظاهر آن است.
اسلام دوشادوش پرورش‌های فکری،
پرورش‌های عاطفی نیز دارد.

اسلام، پیروان خود را از دو راه اساسی تربیت

می‌کند:

یکی از طریق استدلال و ارائه قوانین و تحریک

اندیشه‌ها.

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۳۱

دو دیگر از راه برانگیختن عواطف و احساسات. تنها مکتب راستین اهل بیت (علیهم السلام) است که بین پیروان خویش یعنی شیعیان، این دو راه را پی می‌گیرد، شیعه است که علاوه بر بینش مذهبی و راه‌یابی به سوی حقیقت، دوستدار و شیفته‌ی آن حقیقت نیز می‌باشد. همین شیفتگی و دل‌بستگی است که شیعه را به سوی محبوب جذب می‌کند، چون آهنی که در جهت آهن ربا قرار گرفته باشد.

محبوب شیعه با همه‌ی ویژگی‌هایش، نماد تمام و تام انسانیت است و آن هنگام که شیعه به سوی این الگو کشیده می‌شود، از این رهبر شایسته رنگ می‌پذیرد و باری سرانجام و درنهایت، به شایستگان می‌پیوندد. آری، هر جویباری چون به سوی اقیانوس

۳۲ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

جاری باشد روزگاری از آن خواهد شد و بدان خواهد پیوست.

امام (علیه السلام) اقیانوس عالم وجود است و ما خردک جویباران پوینده که با جاذبه‌ی مهر و دوستی او، به سویش روانه ایم، اگر این راه درست را بپیماییم و در بینابین از مسیر کژی نگیریم و انحراف نپذیریم، بدان اقیانوس خواهیم پیوست و گرنه، یا به مردابی خواهیم ریخت و یا در گندابی فرو خواهیم رفت.

بدیهی است که محبت و دوستی باید نسبت به رهبران پاک و معصومی باشد که انسان‌هایی کامل هستند و الگوهای تام، چراکه آدمی در تربیت خود به نمونه‌هایی نیازمند است تا با دیدن آن‌ها، رهبری شده و همراه تبلیغ‌پذیری سمعی، از تبلیغ بصری نیز

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۳۳

برخوردار گردد، به ویژه که روح انسان درزمینه‌ی تربیت در برابر آنچه می‌بیند انعطاف‌پذیرتر است تا در برابر آنچه می‌شنود.

ازاین‌رو است که اسلام، پیشوایان پاک و معصوم را به پیروانشان همواره معرفی کرده و همگان را به دوستی آن‌ها فرامی‌خواند تا از این راه به‌سوی تکامل خویش گام بردارند.

مخالفان اسلام نیز بدین نکته خوب پی برده بودند که تنها راه ذلت مسلمانان را همین می‌دانستند که آن‌ها را از رهبران معصوم و حقیقی خویش دور کنند، بنابراین از همان آغاز دشمنی، در این راه کوشیدند و می‌خواستند چهره‌ی آنان را دگرگون‌شده

۳۴ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

نشان دهند و مردم را از آنان دور سازند اما حقیقت، چون آفتاب، پشت ابر نمی ماند و نماند.

ما در پایان این نوشتار، فرازی از تاریخ را در دیدگاهتان قرار می دهیم تا نمونه یی از دوستداران راستین خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) را بشناسید و به نقش پر مسؤولیت و حرکت زای محبت بیشتر آگاه گردید.

هنگامی که حضرت علی (علیه السلام) به شهادت رسید و معاویه قدرت را به دست گرفت، می کوشید تا از دوستان امام (علیه السلام) اعتراف بگیرد که از دوستی آن حضرت سودی نبرده اند. اما چون دوستداران علی (علیه السلام) او را به حق شناخته و بعد از شهادت آن گرامی نیز، به سترگی و

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۳۵

والایی آن بزرگ بیشتر آگاهی یافته بودند، معاویه نمی‌توانست از آن‌ها چنین اعترافی را بشنود، حتی، نتیجه‌ی واژگونه می‌گرفت!

یکی از این دوستان فداکار، عدی بن حاتم طایی بود. او و فرزندانش از سربازان دل‌باخته و سرسپرده‌ی راه حق و حضرت علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) بودند. سه پسرش بانام‌های زیبای طرفه، طریف و طارف در جنگ صفین شهید شدند. پس از گذشت سالها و شهادت امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام)، عدی دوباره رویاروی معاویه قرار گرفت.

معاویه برای آن‌که خاطره‌ی تلخ را به یاد او آورده باشد، پرسید: این الطرفات، طرفه‌ها کجایند؟

۳۶ / دل‌بستگی به رهبر و دوستداری امام (علیه السلام)

(اشاره به فرزندان) پاسخ داد: در صفین، پیش روی

حضرت علی (علیه السلام) شهید شدند.

- علی در مورد تو انصاف را رعایت نکرد.

- چرا؟

- چون فرزندان تو کشته شدند، اما فرزندان

خود او باقی ماندند.

- من، انصاف را در مورد علی (علیه السلام)

رعایت نکردم.

- چرا؟

- چون علی (علیه السلام) کشته شد و من هنوز

زنده‌ام.

آنگاه به درخواست و اصرار معاویه به شرح

ویژگی‌های امیر مؤمنان علی (علیه السلام) پرداخت تا

دوره هفتم، شماره نوزدهم / ۳۷

اشک معاویه بی اختیار فروریخت. با آستین آن را
سترد و گفت: خدا ابوالحسن را رحمت کند،
همین گونه بود که گفتی، اکنون بگو در فراق او
چگونه‌ای؟

- چون مادری که جگرگوشه‌اش را در دامانش
سربریده باشند... .

- چقدر او را به یاد می‌آوری؟

- آیا روزگار می‌گذارد فراموشش کنم؟^۱

پایان

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۷۰ و مروج الذهب، ج ۳، ص ۴.